هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

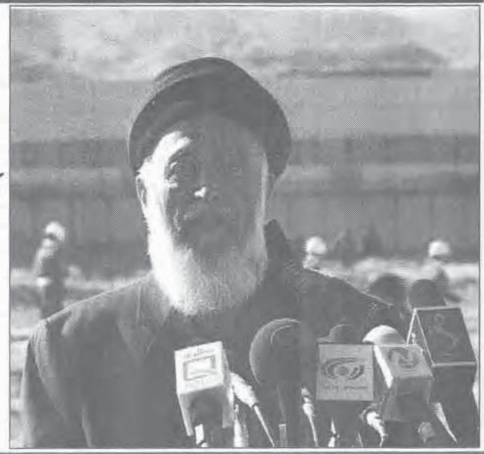
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

جبههٔ ملی از یک آزمون دیگرموفقانه بدرشد ص۲

سیری به گلزار دعا ص۴

دور ششم – سال هشتم – شمارهٔ چهارم ۲۹ حمل ۱۳۸۸- ۲۲- ربیع الثانی ۱۴۳۰ - 18- April 2009



استاد برهان الدین ربانی درمراسم یاد بود شیخ ابراهیم جلیدان:

شیخ جلیدان کوشش می کرد که فرزندان مجاهدین و شهدا آموزش ببینند تا در آینده به وطن شان مصدر خدمت شوند

مرحوم ابراهیم جلیدان تصمیم داشت که درافغانستان کودکستان بزرگی بسازد، پس ازپیروزی مجاهدین او را دعوت کردم تا آن برنامه اش را عملی سازد ، اما متأسفانه آن روزها روزهای بدی برای ما وملت افغانستان بود

***

امروزشیخ جلیدان درمیان ما نیست اما خاطرات وکارهای خیراو ومحبت وعلاقمندی او به مردم افغانستان وجهان اسلام فراموش نمی شود.



دکترعبدالله کاندیدای جبههٔ ملی شد

جبهـهٔ ملـی بـا گـزینش دکترعبدالله وزیرخارجه پیشین به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری آینده به شک وتردیدهایی فروان پایان داد.

جبهـهٔ ملـی درنشست روزچهارشنبه ۲۶ حمل دکترعبدالله را با آرای نزدیک به اتفاق به این سمت نامزد کرد.

جبهـهٔ ملی ازخیلی دیرباز می اندیشید جهت معرفی یک کاندیدای واجدشرایط که بتواند به نیازهای مبرم کنونی جامعهٔ افغانستان پاسخ دهد وبرای رسیدن به این هدف اعضای ارشد آن پیوسته **ادامه در ص۸**

انتخابات ریاست جمهوری شخصیت برجسته

مردم آگاه، بیدار و حقشناس ما به خوبی میدانند و درک می کنند. که چه کسانی از بین خود شان برخاسته اند ودر روز های سخت و دشوار در کنار مردم بوده و در برابر تجاوز بیگانگان و یا مستبدان از جان، مال و ناموس آنان دفاع کرده اند! ص۳

روس ها و دست دوستی مجدد بسوی افغانستان

وحید مژده

در کنفرانسی که از تاریخ ۸ الی ۱۲ اپریل تحت عنوان (بحران افغانستان و سناریو های ممکن انکشاف) که به ابتکار مرکز مطالعات افغانستان معاصر در ماسکو پایتخت فدراسیون روسیه دایر گردیده بود، جمعی از افغانها شامل اعضای پارلمان، فعالان سیاسی، تحلیلگران و محققین در مسایل سیاسی و فرهنگی افغان از کابل و اروپا اشتراک ورزیده بودند.

چنین گردهمائی که پس از بیست سال در ماسکو تدویر یافت قابل توجه است. هرچند در این کنفرانس مقامات دولتی فدراسیون روسیه اشتراک نورزیده بودند و ظاهرا ابتکاری از **ادامه در ص۲**

وقتی سیاست مداری افلاس می کند

عبدالمعین شاهد

اکثر مردم فکرمی کنند ،سیاست زشت ترین کاری است که آدم به آن دست می زند، البته نمی توان این پنداررا دربست پذیرفت، سیاست می تواند شریف ترین ومفیدترین کارباشد،این درصورتی است که سیاستمداران بتوانند برای مردم خویش خوشبختی وکامگاری فراهم سازند.اما چنین سیاستمدارانی بسیارنادراند، شاید پس ازسالها این گونه سیاستمدارشایسته وفرهیختهٔ پا به میدان بگذارد وبرای مردم خویش خوشبختی هدیه کند.

متاسفانه اکثرسیاستمداران کارنامه های خوبی بجا نمی گذارند و برای خوشبختی مردم فکر نمی کنند، بلکه به دنبال منافع شخصی هستند، بدی کارآنها این است که این نیت خویش را حتی الامکان پنهان نگه می دارند وادعا می کنند جزمنافع مردم وجامعه هدفی دیگری ندارند وبه منافع شخصی خویش هرگزفکرنمی کنند. آنها برای برحق نشان دادن موضع گیری ها واقدامهای خویش درصدد سرهم کردن دلایل وبهانه ها وشعارها برمی آیند وسعی می کنند خودرا برحق جلوه دهند، برخی این سیاستمداران وحقه بازان به هدف خویش یعنی فریب واستحمارمردم توفیق بدست می آورند، اما این موفقیت دیری دوام نمی کندوبزودی اکثریت مردم ازآنها روی برمی تابند ودیگربه دروغ ها ومکرهای آنان گوش فرانمی دهند، چون به قول معروف نمی توان همه را برای همیشه فریب داد. **ادامه درص۳**



دملاکنډ د سیمې لپاره د عدالتي نظام په تړون سره

زرداري دځېک او سندان ترمینځه

شفیق

هغه تړون چې د سرحد ایالتي حکومت دلومړي وزیر حیدرخان هوتي او د ملاکنډ د سیمې د شریعت غوښتونکي خوځښت د مشرانو ترمینځه دوه میاشتې د مخه لاسلیک شوی ۇ ځلور ورځې وړاندې د پاکستان ولسمشر آصف علي زرداري توشیح کړ او له دې وروسته به په سیمه کې نافذ شي.

داچې د دغه تړون نفاذ او د ولسمشر لخوا توشیح کول ولي وځنډول؟ او هم داچې دغه تړون به په کومو منطقو کې د تطبیق وړوي؟ او یاځه اغیزې به ولري؟ اوهم په ځانګړې توګه زمونږ په هیواد کې په امنیتي وضع او د دولت پرخلاف په بغاوت او روانو عملیاتو به یې څه اغیزاوسي؟ پدې به هم پدې لیکنه کې یوځه رڼا واچوو.

لکه چې مخکې موورته اشاره وکړه، دعدل دنظام دغه تړون نږدې دوه میاشتې د مخه دسرحد دایالت د لومړي وزیر او شریعت غوښتونکي خوځښت دمشرمولوي صوفي محمد ترمینځه لاسلیک شوي ۇ دپاکستان ولسمشر زرداري لخوا توشیح ته یې انتظارویسیه، چې پدې وروستیوکې ځلور ورځې دمخه وروسته له دې چې ددغه هیواد مرکزي پارلمان لخوا په تصویب ورسیده، آصف علي زرداري توشیح کړ چې نومړي د نړیوال د فشارله **پاتي په ۷ مخ کي**

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

جبههٔ ملی از یک آزمون موفقانه بدرشد

برخلاف پیش بینی های که در مورد جبهه ملی وجود داشت که گویا پراگنده و نا متجانس است و نمی تواند برای انتخابات ریاست جمهوری نامزد معرفی نماید، در آخرین فرصت یعنی تقریبا یک هفته پیشتر از موعد نامزدی برای ریاست جمهوری، این جبهه توانست نامزد خویش معرفی نماید. هفته گذشته این جبهه در نشستی به ریاست استاد برهان الدین ربانی با اکثریت آراء داکترعبدالله عبدالله وزیر خارجهٔ پیشین را به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری اعلان کرد.

هرچند که گفته میشود تعداد اندکی از اعضای این جبهه با نامزدی داکتر عبدالله مخالفت کردند، اما سخنگوی جبهه آقای فاضل سانچارکی اعلان نمود که نامزدی وی با اکثریت آرای اعضای جبهه اتخاذ شده و مخالفان باید تصمیم اکثریت را بپذیرند.

داکترعبدالله یکی از همکاران نزدیک قهرمان ملی شهید احمدشاه مسعود بوده، یک چهرهٔ شناخته شده در عرصه سیاسی کشور و درمیان مجاهدین می باشد، وی که حدود چهارسال دستگاه سیاست خارجی کشور را رهبری نموده است، در میان مسوولین بلند پایه حکومت از معدود کسانی است که دست خود را در ثروت اندوزی و استفاده های نا جایز برکنار نگه داشته است.

وی می تواند گرایش های غیرملی حاکمیت افغانستان را که توسط دست اندرکاران کنونی نظام به میان آمده ودرمیان مردم بی اعتمادی برانگیخته است، اصلاح نماید وآسیب های وارده بروحدت ملی را جبران کند.

اکنون جبههٔ ملی و نامزد آن برای ریاست جمهوری کارهای عاجل و مبرمی پیش رو دارند که عبارت از مبارزات انتخاباتی و ارائه برنامه های کلان ملی برای دولت آینده افغانستان است.

حفظ وحدت جبهه برای پیروزی آقای عبدالله حایز اهمیت فراوان می باشد، باید از فروپاشی جبهه متحد ملی که در زمان مقاومت توانست اکثریت گروه های سیاسی، مذهبی وقومی افغانستان را بر محور واحد منافع ملی جمع نماید، اما در نتیجه اشتباهات از هم پاشید، درس آموخت. پس از فروپاشی جبهه متحد ملی سال هاگذشت تا سیاست مداران کشور موفق شدند، جبهه ملی که بازهم اکثریت گروه های سیاسی جامعهٔ افغانستان را برمحور هدف های کلان ملی فراهم نموده است، تاسیس نمایند.

حفظ وحدت جبهه ملی به نفع تمام گروه ها و شخصیت های است که اکنون عضویت آن را دارند. اعضای که با فیصله جبهه موافق نیستند، باید با درس گیری از اشتباهات گذشته به تصویب اکثریت تن در دهند و سعی کنند نظریات اصلاحی خویش را در برنامه های نامزد جبهه ملی و دولت آینده افغانستان بگنجانند.

سازمان دهی مبارزات انتخاباتی و تدوین سیاست ها و

ادامه درص۵

روس ها و دست دوستی مجدد بسوی افغانستان



جانب خبرگزاری (ریانوستی) و مرکز مطالعات افغانستان معاصر در فدراسیون روسیه بود اما به نظر می رسید که دولت روسیه نیز علاقمند این کنفرانس بود که امکان تدویر آن در ماسکو میسر گردید.

همانگونه که آقای عمر نثار که زحمت تدویر کنفرانس بیشتر بدوش وی بود در سخنان افتتاحیهء کنفرانس گفت امسال رابطهء دیپلوماتیک میان روسیه و افغانستان نود ساله می شود و بیست سال قبل از امروز نیروهای اتحادشوروی افغانستان را ترک گفتند. چیزی که به آن اشاره نشد و ظاهرا مهمانداران روسی نمی خواستند آنرا بیاد بیاورند این بود که امسال سی سال از تجاوز ارتش سرخ به افغانستان نیز می گذرد. پس امسال را می توان در تاریخ روابط میان افغانها و روسها سالی مهم تلقی کرد.

در این کنفرانس از جانب افغانستان جمیل کرزی نماینده ولسی جرگه، محمد علم ایزد یار از مشرانو جرگه و نیز داکتر محی الدین مهدی، عبدالغفور لیوال، محمد عمر شریفی، رزاق مامون، سلیمان لایق، محمود حکیمی مدیر مسئول جریدهء افغانستان، استاد سید مسعود استاد دانشکدهء اقتصاد پوهنتون کابل، جاوید کوهستانی و محمد ناصری از فعالان سیاسی، سنجر غفاری کارشناس مرکز مطالعات افغانستان معاصر سخنرانی داشتند. سعید یوسفزی به نمایندگی از سازمان های فرهنگی سراسر اروپا در این کنفرانس شرکت داشت و با وجود حضور سفیر افغانستان، پیام حامد کرزی به این کنفرانس را او قرائت کرد. صاحب این قلم نیر سخنانی در رابطه به دورنمای صلح در افغانستان ایراد نمودم.

الکساندر اومنوف یکی از افغانستان شناسان روسی و کارشناس اکادیمی علوم روسیه در مقالهء خود تحت عنوان (آیا غرب در افغانستان راه اتحاد شوروی را در پیش خواهد گرفت؟) وضع موجود افغانستان را با دوران تجاوز اتحاد شوروی مقایسه کرد و نتیجه گرفت که امروز هم مانند دوران گذشته مقاومت در دهات است و اوضاع به آن زمان شباهت دارد. حکومت فعلی بدون حمایت خارجی قادر به ادامهء کار نخواهد بود و جشن پیروزی را بصورت مستقلانه تجلیل نخواهد کرد. اگر امریکا عقب نشینی کند رسوا خواهد شد.

امریکا در این جنگ دست بالا را دارد زیرا جامعهء جهانی را با خود دارد اما طالبان به تنهائی می جنگند در حالیکه در دوران تجاوز شوروی برعکس بود. همه جهان از مجاهدین حمایت می کردند اما امروز با طالبان هیچ کشوری کمک نمی کند اما این وضع در حال تغییر است. افغانستان بار دیگر به میدان رقابت جهانی تبدیل می شود و تروریست ها در افغانستان و پاکستان قدرتمندتر می شوند. امکان دارد که در آینده بعضی از کشور های اسلامی بصورت آشکار از طالبان حمایت کنند.

شاه محمود استاد افغان پوهنتون روابط بین المللی به نقش دیپلوماسی مردمی در حل بحران افغانستان پرداخت و گفت که تولید مواد مخدر در افغانستان

وی در پایان پیشنهاد کرد تا از تجربهء صلح در چچن و تاجیکستان در افغانستان استفاده شود. صلح در چچنیا ثمرهء یک مصالحهء ملی بود و در تاجکستان

آشتی ملی به کمک کابل، تهران و ماسکو ممکن شد زیرا حاکمیت به این نتیجه رسید که باید با مخالفین

برای روسیه صورت می گیرد و این کار قصدی است. روسیه می خواهد تا در امر مبارزه با مواد مخدر با افغانستان همکاری کند اما امریکا مخالفت می کند.

وی اضافه کرد که روسها از مداخلهء غرب در آسیای میانه و منابع انرژی آن نگران اند. پیشرفت اقتصادی چین نیز برای روسها نگران کننده است زیرا چین بصورت ماهرانه موقعیت خود را در پیمان شانگهای و در آسیای میانه تقویت می کند. امریکا در آینده می خواهد پای چین را به جنگ افغانستان بکشاند.

ارکادی دوبنوف مبصر روزنامهء ویرما نووستی مقالهء خود تحت عنوان (طالبان جنبش افسانوی – چرا طالبان بی مرگ اند؟) قرائت نمود. بخشی از این مقاله حاصل تجربیات خود وی از سفر به افغانستان در دوران مجاهدین و طالبان بود.

دوبنوف در ابتدا از اینکه مقامات دولتی روسیه در این کنفرانس شرکت نکردند ابراز تاسف نمود. وی گفت که من در سال ۱۹۹۳ در افغانستان بودم. حضور نظامی خارجی چه در زمان اتحاد شوروی و چه در شرایط فعلی ارزش های افغانی را توهین می کند. آزاد زیستن یک ارزش مهم در نزد افغانهاست.

وی گفت که دوستم در سال ۲۰۰۱ در مزارشریف اسرای طالبان را قتل عام کرد. مقامات رهبری دولت افغانستان مسئولانه سخن نمی گویند مثلا در کنفرانس آلماتا در مورد افغانستان مشاور امنیت ملی افغانستان گفت که ما شما کشور های آسیای میانه را قابل ترحم می دانیم زیرا ما دیموکراسی داریم و شما ندارید.

ارکادی دوبنوف در مورد طالبان گفت که این یک پدیدهء حیرت انگیز است. گفته می شود که آنها را ای اس آی بمیان آورد اما به نظر من ظهور طالبان پاسخی به انارشی مجاهدین بود همانگونه که بمیان آمدن مجاهدین ناشی از اشتباهات کمونیست ها و مداخلهء شوروی بود.

من در زمان طالبان به قندهار رفتم که در آنجا پیلوت های روسی اسیر طالبان بودند. من با والی قندهار صحبت کردم. طالبان مرا به اطراف قندهار بردند و ساحات مین گذاری شده را نشان دادند و نقشه خواستند. در ماسکو نمی خواستند این نقشه ها را به آنها بدهند.

یک افسانه در مورد طالبان وجود داشت: ماباید طالبان را در افغانستان متوقف بسازیم تا آسیای میانه را نجات دهیم. این تبلیغ ناشایسته نقش بدی را در این عرصه بازی کرد. ازبک ها و چچن ها طالبان نبودند.

وی در پایان پیشنهاد کرد تا از تجربهء صلح در چچن و تاجیکستان در افغانستان استفاده شود. صلح در چچنیا ثمرهء یک مصالحهء ملی بود و در تاجکستان آشتی ملی به کمک کابل، تهران و ماسکو ممکن شد زیرا حاکمیت به این نتیجه رسید که باید با مخالفین مذاکره شود.

عده ای از اعضای هیئات افغانی در یک مصاحبه از طریق ویدئوکنفرانس با مقامات سیاسی اپوزیسیون دولت در جمهوری اوکراین شرکت کردند که محور بحث بررسی جوانب مختلف عضویت یا عدم عضویت اوکراین در پیمان ناتو بود. شرکت کنندگان افغان این کنفرانس به این باور بودند که شامل شدن اوکراین در ناتو به نفع تنش زدائی در منطقه و نیز به نفع اوکراین نخواهد بود. این اقدام اوکراین رقابت میان امریکا و روسیه را تشدید خواهد رد مطلبی که مورد استقبال جانب اوکراینی قرار گرفت.

در حاشیهء این کنفرانس فرصت هائی برای دیدار با مقامات دولتی فدراسیون روسیه و افغانستان شناسان روسی نیز فراهم آمد. پروفسور ارگون افغانستان شناس مشهور روسی به هوتل محل اقامت هئیت آمد و در مورد تحولات اوضاع افغانستان بحث صورت گرفت.

هیئات افغانی در وزارت امور خارجهء روسیه دیداری با مصطفی بیلی علی مختارویچ مدیر شعبهء دوم سیاسی داشت. نامبرده مدت

ادامه در ص۴

استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد ومقاومت در مراسم یاد بود شیخ جلیدان:

شیخ جلیدان کوشش می کرد که فرزندان مجاهدین و شهدا آموزش ببینند تا در آینده به وطن شان مصدر خدمت شوند



بسم الله الرحمن الرحیم

کل نفس ذائقة الموت وإنما توفون اجورکم یوم القیامة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز ومالحیاة الدینا إلامتا ع الغرور"

درآغازبرای مرحوم شیخ ابراهیم جلیدان طلب مغفرت می نمایم. إنا لله وإنا الیه راجعون.

یکی ازویژه گی های جهاد درافغانستان این بود که مسلمانان ازدیگرکشورها از آن حمایت می کردند.

شماری ازمسلمانان دلسوز ازکشورهای اسلامی بخصوص ازعربستان سعودی، با عشق ومحبت فروان به اسلام وبه مردم افغانستان خدمت کردند. یکتن ازاین چهره های برجسته مرحوم ابراهیم جلیدان بود. ابراهیم جلیدان یکتن ازسرمایداران متوسطی بود، اما همت بسیارعالی داشت، او با اخلاصمندی زیاد درخدمت مسلمان افغانستان قرارگرفت. اونه تنها به جهاد کمک مالی کرد، بلکه با روابط بسیاروسیعی که باسیاستمداران وزمامداران کشورش ودیگرکشورهای اسلامی داشت حمایت سیاسی آن ها را ازمقاومت افغانستان جلب نمود.

اوکاری بزرگی برای مهاجرین و مجاهدین می کرد، او در پیشاور پاکستان کودکستان بزرگی ساخت وکودکان یتیم وبی سرپرست را تحت آموزش قرارداد ، اوبا کودکان یتیم کشوریکجا زندگی می کرد و برای آنها درس، لباس، ومسایلی صحی فراهم می نمود.

همیشه درآرزوی این بودکه چگونه بتواند به اردوگاه های مهاجرین برود وبه انهامساعدت نماید. درسال های اول مردم علاقمند دریافت کمک نبودند، غرور اسلامی و ملی شان اجازه نمی داد با آن که محتاج بودند کمک بگیرند، چند سال بعد تر روزی با شیخ جلیدان دریکی از اردوگاه های مهاجرین رفتیم تا شیخ مواد غذایی به آنها توزیع نماید، کودکان و زنان برای گرفتن برای گرفتن مواد غذایی پیرامون ما جمع شدند شیخ ازاین وضعیت متأثرشد و گفت،روزهای اول را بیاد دارم که این ها چقدربا غرور بودند با وجود محرومیت خود را محتاج و نیازمند نشان نمی دادند، اما احتیاج و محرومیت های شدید خصوصیات اخلاقی و فرهنگی مردم را دچارتغییر نموده. این حالت او را سخت متأثرساخت.

مرحوم جلیدان با آن که همیشه درفکرکمک به مهاجران وکودکان یتیم بود، اما به آینده افغانستان نیزمی اندیشید. بنا برین کوشش می کرد، فرزندان مجاهدین وشهداء آموزش ببینند تا درآینده به وطن شان مصدر خدمت شوند و بتوانند به عنوان عناصر آگاه درساختن آیندهٔ افغانستان سهم بگیرند.

اخبار پیروزی مجاهدین ومردم افغانستان اورا شاد می کرد .

او با علوم ومعارف معاصرهم آشنایی داشت ،هرچند که صاحب ثروتی هم بود اما بیشتر انسان عارف مشرب، درفکرخدمت وکمک به دیگران بود.

اوهمیش به فکرجهان اسلام ومسلمانان بود وبه اساس حدیث پیغمبر"صلی الله علیه وسلم " کسی که به فکرمسلمانان نباشد مسلمان کامل شده نمی تواند. همیشه درفکرمسلمانان فلسطین ودیگرملت های مسلمان بود.

مرحوم ابراهیم جلیدان تصمیم داشت که درافغانسان کودکستان بزرگی بسازد، پس ازپیروزی مجاهدین او را دعوت کردم تا آن برنامه اش را عملی سازد، اما متأسفانه آن روزها روزهای بدی برای ما وملت افغانستان بود، کابل ازسوی عناصر نا عاقبت اندیش تحت حملات راکت پراگنی قرار داشت، شیخ جلیدان ازاین وضعیت سخت ناراحت شده اومی گفت، پس از پیروزی جهاد باید کشورازبدبختی رهای می یافت چیزی که متأسفانه به اثر مداخلات خارجی ها وبرخی عناصر به میان نیامد.

پس از پیروزی مجاهدین از برخی تاجران کشور های خلیج تقاضاکردم در افغانستان سرمایه گذاری بکنند. شیخ جلیدان یک گروهی از سرمایه داران کشورهای خلیج را به کابل آورد تا دربخش های استخراج نفت وگاز و زراعت و سایر زیرساخت های سرمایه گذاری بکنند. آنها بررسی های اولیه خود را داشتند اما درنتیجه جنگ ها این تلاش ها ناکام ماند.

او همیشه در فکرخوشبختی مردم افغانستان بود، سه سال پیش درماه مبارک رمضان غرض ادای عمره به عربستان رفتم، به دیدن من آمد با هم نشستیم از وضعیت افغانستان با شوق و رغبت می پرسید، بسیار علاقه داشت که باز به افغانسان بیاید وبرای تربیه اولاد افغانستان کارکند کند، اما اجل برایش وقت نداد. گرچه سن بالای داشت اما بسیارپرتحرک و بانشاط بود واخیرا به خاطر یک سلسله تکلیف های که عاید حالش شده بود به لقاء الله پیوست.

امروزشیخ جلیدان درمیان ما نیست اما خاطرات وکارهای خیراو ومحبت وعلاقمندی او به مردم افغانستان وجهان اسلام فراموش نمی شود.

إنا لله وإنااليه راجعون

اقول قول هذا استغفرلله لی ولکم ولسائرالمسلمین

وقتی سیاست مداری افلاس ....

اما این سیاستمداران با آن که افراد هوشیاری هستند، اکثراً دچارتوهم می شوند ونمی توانند قضاوت ونگاه مردم وجامعه را نسبت به

خویشتن ارزیابی کنند ، چون آن ها چنان دروغ های خویش را تکرار می کنند که سرانجام خودشان فریب آن دروغ ها را می خورند ودرتارهای تنیده شدهٔ توهمات خویش گیرمی افتند، آنها گمان می کنند که مردم به سخنان وشعارهای آنان باورکرده اند وآن را ازجان ودل پذیرفته اند.

اما حقیقت این است که مردم بالآخره دروغ وراست را ازهم جدا می کنند وبزودی مشت آنها بازمی شود ودیگرکسی به حرف های آنان باورنمی کنند، این جاست که سیاستمداران افلاس می کند.

بسیاری ازسیاستمداران کشورافلاس کرده اند ، شاید درهیچ جای دنیا سیاستمداران افلاس کرده به اندازه جامعه ما فروان نباشد. علت این است که همه سیاستمداران کشور، ادعای رهبری وحتی رئیس جمهورشدن را درسردارند. به همین سبب شماری نامزدان ریاست جمهوری افغانستان بیشرازکشورهای بزرگ وکوچک دنیا مانند امریکا ، هند پاکستان وایران می باشند اکثراین سیاستمداران درتصمیم گیریهای تاریخی وکلان هشت سال گذشته مانند کنفرانس بن، لویه جرگه قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی وموارد دیگرتصامیم اشتباه آمیزونادرست گرفتند که درنتیجه به منافع ومصالح علیای وتاریخی مردم صدمات جبران ناپذیری وارد شد.

اما خودشان به چیزهای زیادی ازجمله به چوکی وقدرت، نام، مدالوو پول وامکانات فراوان دست یافتند.

اما برخی این سیاستمداران هنوزهم عطش سیری ناپذیری برای کسب امتیازات بیشتردارند وهنوزهم ادعامی کنند که بهترین تصمیم ها را به نفع مردم وکشوردرسردارند.

اما اکثرمردم اکنون درک درستی ازاشتباهات چنین سیاستمدارانی بدست آورده اند ودیگربه حرفهای آنها کسی گوش نمی دهد، بنا برین

اگرهرچه زود تر ازدنیای توهمات خویش بیرون شوند به سود مردم وخودشان خواهد بود.

انتخابات ریاست جمهوری شخصیت برجسته

محمدنسیم فقیری

هرروز به زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری نزدیک و نزدیکتر می شویم. در همه جا صحبت از انتخابات است و از شخصیت شخصیت ها و کاندید های احتمالی در آن، مردم در هر انتخاب به دو موضوع مهم توجه دارند: یکی شخصیت و دیگری برنامه.

شخصیت عنصر اساسی و مهم در هر انتخاب است و بر بنیاد گرایش های مختلف در کشور های دنیا مورد توجه قرار می گیرد. در کشور ما گفته شده و گمان برده می شود که شخصیت ها را از دید قومی، زبانی، سمتی و حزبی انتخاب می کنند و شایستهٔ احراز یک پست می دانند و انتخاب گذشتهٔ ریاست جمهوری و نتایج اعلام شدهٔ آنرا دلیل می آورند! ولی در واقع آنچه که مورد توجه وعلاقهٔ مردم قرار دارد، شخصیت افراد در درجهٔ نخست است:

مردم آگاه، بیدار و حقشناس ما به خوبی میدانند و درک می کنند. که چه کسانی از بین خود شان برخاسته اند ودر روز های سخت و دشوار در کنار مردم بوده و در برابر تجاوز بیگانگان و یا مستبدان از جان، مال و ناموس آنان دفاع کرده اند!

زمانی یکی از وزرا در مورد وزیر سبکدوش ساخته شده به کنایه گفته بوده که پست ها ومقام های دولتی میراث پدری کسی نیست که همواره آنرا در اختیار داشته باشد، بلکه همه مردم حق دارند به چنین مقام هایی دست یابند!

بلی! این گفته کاملاً درست و بجاست که مناصب دولتی به همهٔ مردم تعلق دارد و باید به افراد شایسته داده شود و نباید در انحصار فرد یا افرادی قرار داشته باشد و یا مال دارئی تصور شود... ولی نباید فرامش کرد که اصل مهم شاسیتگی، مردمی بودن است و آنکه شرایط دیگر احراز یک پست دارد و افزون بر آن از مردم برخاسته و با درد ها و رنج های آنان آشنا است و در کنار مردم، در سنگر های خونین دفاع از دین، آزادی و استقلال کشور قرار داشته است، بیشتر از دیگران شایستگی احرازیک پست را دارد. درست است که همه تحصیل یافتگان و کارشناسان می توانند که به این پست ها دست یابند و داوطلب باشند ولی کسانی بیشترین لیاقت وشاستگی را دارا اند که در سخت ترین و دشوار ترین حالات در کنار مردم بوده اند و مردم را تنها نگذاشته و هزاران کیلومتر دور از وطن در شهر های امن و مرفه، زندگی و استراحت نکرده اند!

وجدان سالم انسانی و عدالت و انصاف بشری حکم می کند که همگان همان طوری که خود را مستحق احراز پست ها می دانند؛ در اوضاع سخت و دشوار نیز در کنار مردم و با درد و رنج آنان شریک و آشنا بوده باشند!

این طور نیست که شماری برای سربازی و ایثار و قربانی آفریده شده و بار سنگینی همه مشکلات را در شرایط سخت جنگ و تحاوز خارجی در دوش بکشند و هر زمانی که خطر تجاوزی متوجه کشور گردد، این ها با مردم شان گذاشته شوند و وظیفهٔ دفاع از مردم و کشور را بر عهده بگیرند و دیگران به کشور های دور و نزدیک مقیم باشند و با داشتن تابیعت آن، در کمال راحت و آسودگی ولی جز از درد و رنج بسر ببرند ولی در وقت تقسیم غنایم از دیار دور و نزدیک و با داشتن مدارک تحصیلی، تخصصی و تجربهٔ کار در کشور ها وموسسات خارجی با ادعای کلان برای احراز پست های کلان به کشور بر گردند!

بنابراین مردم ما به کسی و یا کسانی رأی خواهند داد که در کنار شایستگی لازم و کار و تجربهٔ کامل، از وجههٔ ملی و مردمی نیز برخوردار باشند و توان کار در هرنوع شرایط را دارا باشند. **ادامه دارد**

از سلسله بحث هایی پیرامون ادب حماسی

باز هم، سیری به گلزار دعا

عبدالقیوم ملکزاد



دمی که با یورش اهریمن، فضای نیلگون کشور مکدر شده بود و از جاری شدن سیلاب خون دشت در و یکقلم گلگون...!

دمی که انسانی مظلوم با گرفتن "وضو از فوارهٔ خون" بر سجادهٔ مظلومیت سرخ" سرمی گذاشت و"شهیدی" را "آه می کشید ..."!

دمی که، هرچه نگه می دواندی خون شهیدی برمردم چشمت می نشست، قابیل کردارهای سنگدل، هابیل های مظلومی را از تیغ می کشیدند و برسیطرهٔ جنایت شان می افزودند... در آن روزگار در هرکوی و برزن این خونین دیار تنها چیزی که نمودار بود، یاس بود ودرد و رنج و ادبار !

در گسترهٔ چنین فضای یاس آلود- که از هر کرانه یی آتش فتنه بر می خاست و امواج دود و باورت...- پرده های نا امیدی به دریده شدن آغازید. مجالی برای خروشیدن و جامهٔ رزم پوشیدن فراز آمد و بدین ترتیب منشور بلند انقلاب شکوهمند درشهر و ده میهن رقم زده شد...، طنین روحبخش "جهاد" خواب ارباب جهل را آشفته کرد.

آنگاه بود که شعر نیز فریادی شد به بلندای تمامت رستاخیز و شاعران همنوا با چکاچک شمشیرسرافرازان، از نعرهٔ بی رحم«بدی» و فریاد صاعقه وار«خوبی» به درد نشستند، و گفتند:

"قابیلیان را در پناهگاه باغ کلاغان رسوا باید کرد"

افزودند:

"حریت لیلیست مجنونانه می بایست زیست" و درراه آزادی و عزت خدا جویان واسلام باید سوخت و "سوختن" را آبرو باید فهمید و صدای گرم و لبریز از صداقت را برگوش ها افشاند...!

پیام ها و صدا ها باهم گره خوردند، با هردردمندی که برمی خوردی، می دیدی، "بهر یک لبخند چندین اشک نقصان کرده است" تا هم پیمانانی دردآشنا در کنارخود یابد.

آنگاه بود که صاحب این خامه نیزیکی از محمل کشان قافلهٔ اندوه شد وبر ستیغ حسرت فراز آمد وبانگی برکشید:

"بجوش ای گریه تا گریم، بنال ای ناله تا نالم"

همین بود که به زودی دریافتم:

"کلید نالهٔ چندین نیستان است در دستم"

وقلم- که در تمامی لحظه های تلخ وشیرین، انیس راز و نیازم بود و من تمامی دردهای نهانم را با وی در میان می نهادم- متعاقباً با تمام توانایی که فرا اختیارش بود، هرچه ناله بود و فریاد با صریرخویش و جولان درنگ نا شناسش پیوند داد.

او هرشام و سحر در پی تحریر رنج فراوانی شد، سیمای حزین وطن را به تصویر کشید، در عرصهٔ خون آلودهٔ معارک دوید، از اشک یتیمان نگاشت واز آه پیاپی خونین دلان و بیوه گان...!

زیرا، او از آن کسی بود که همواره در هوای جهاد و مبارزه بالیده و در راه مبارزات حق طلبانه، حقجویانه و باطل ستیزانه، آزادی و آزادیخواهی تپیده.

از آن کسی بوده که همواره در فضای آلوده با سم باروت و زهرآلام، به نفس کشیدن آغازیده...!

از آن کسی بوده وهست که عمری دراز، آن هم نشاط انگیز ترین دوره های زندگی، یعنی جوانی را زیرسنگ غربت، بی همدمی و فراق زیسته وهمواه چنین گریسته:

"بی عمر زنده ایم و بسی این عجب مدار

روز فراق را که نهد در شمار عمر؟"

اما، اینجا- که سخن از"نیایش" است "گلبانگ رهایی"و "دعای سبزعلف" را بر می کشایم و ابیاتی حاوی بوی دعا را بر می گزینم، تا در ردیف سخن سرایان درد آگاه، نیایشنامه یی از این قلم نیز ارائه شده باشد.

در اولین شعر مجموعهٔ "گلبانگ رهایی" –که در سال ۱۳۶۵ به زیور طبع آراسته آمد- این قلم، طالب مرحمت خداوند برای قلب های شکسته یی شد که چشمان شان همواره گریان است و غنچه وش دل های شان از درد وحسرت خونین و پژمان:

رحم کن یارب به این قلب حزین داغدار

دیدگان انتظار آهنگ ما گریان بود

و دربیت واپسین:

نالهٔ درخون گره یارب، کجا وا می شود

غنچه سان از حسرت پاییز دل پژمان بود

سروده دیگری که درماه حمل ۱۳۶۰ هجری خورشیدی، یعنی ۲۸ سال قبل از امروز انشاد یافته بود، "زخود وارستگان" نام داشت. در بیتی از این شعر، برای پیروزی مجاهدان و رسوایی ملحدان چنین دعا گردیده بود:

الهی! کن جنودت بر قشون ملحدان پیروز

که تا رسوایی ایشان به اوج کهکشان پیچد

و دربیتی دیگر:

ز امواج جفای پیروان اهریمن عمری است

چوگرداب اشک ما یارب به دور دیدگان پیچد

بیت دیگری که دراین شعر آمده، حاوی شکایتی است از اختلافات و تفرقه مسلمانان که این امر موجب ایجاد غم بر قلب مؤمنان و خدا جویان شده:

خلاف مسلمین یک سو، هجوم ملحدین یک سوی

به چندین رنگ غم یارب، به قلب مؤمنان پیچد

سروده یی که "داغ حرمان" نام دارد، به پیروی یکی از شعر های بیدل "رحمت الله علیه" انشاد شده بود که مطلع آن:

گریه این رنگ از غبارم داغ حرمان بشکفد

خون شود صد دل به حسرت تا که طوفان بشکفد

می باشد.

مطلع یکی از سروده های میرزا عبدالقادربیدل رح با همین وزن و قافیه، چنین است:

وحشتم گر یک تپش در دست امکان بشکفد

تا به دامان قیامت چین دامان بشکفد

نگارنده در سال ۱۳۵۶ هجری خورشیدی، یعنی زمانی که خیلی جوان وتازه به دنیای شور انگیز شعر رو آورده بود، با عین وزن و قافیه به مناسبت استقبال از ورود عروس نشاط افزای طبیعت(بهار) که همه ساله با همایش جمعی غفیری از سخنوران فاریاب برگزار می شد- شعری سرود که یک بیت آن ازسوی شعر شناسان و استادان آن دیار فوق العاده مورد تقدیر و تمجید قرار گرفت و آن بیت عبارت بود از:

تا نبندد و تهمت کلفت به دوش ما حریف

چشم ما بر عارضت از خلق پنهان بشکفد

با آوردن یک بیت دیگر از آن سروده، به منظور تجدید خاطرهٔ خوب بودن درکنار همزادگاهیان مهر ورز فاریابی، که گفته شده بود:

عشرت ایجاد است از بس عشق ورزی دربهار

پای گل عشاق را تجدید پیمان بشکفد

نگاهی می افگنیم به بهاری که پس از رویکار آمدن رژیم کمونیستی درافغانستان به کشور می آمد، اما آن رنگ وبوی پیشین را با خود نداشت، بلکه با آمدن بهار، نه گل(شادی) به دامان می شگفت و نه هم نغمه یی فرح افزا از مرغان غزل خوان به گوش می چکید.

چنانچه شاد روان خلیل الله خلیلی می گفت:

وطن! آمد بهار اما نبینم گل به دامانت

نیاید نغمه شادی زمرغان غزلخوانت

و یا:

بهار امسال می آید به چشم ما سراپا خون

زمین خون آسمان خون اختران خون کوه وصحرا خون

اینک ابیاتی از شعر معنون به "داغ حرمان"- با کسوت "مناجات" با این قلم - که تاریخ انشاد آن به بهار سال ۱۳۶۰ بر می گردد:

تا به تمکینی که دارد عرض ما و من کمین

با چه تشریفی امل یارب به سامان بشکفد

رفته است عمریست از میهن نسیم حرّیت

کی بود یارب ز انفاس خوشش جان بشکفد؟

نوبهار فطرتم خمیازه دارحسرت است

دیده ام، یارب در این جا با چه درمان بشکفد؟

طوری که ملاحظه می گردد ابیات بالا بوی شکوه در بغل دارد، شکوه از غرور بیجای این و آن، غروری که صرصر بربادگرش، شگوفه های امید را پرپر می کند...

شکوه از غیبت نسیم دلنواز آزادی، که با هجوم ارتش سرخ و جنایات هولناک او و قتل و کشتار دست نشاندگان روسی، میهن به ارسارتکده درآمده بود.

همچنان شکوه از حسرت واندوهی که چتر سیاهش را در فراز میهن گسترده بود.

روس ها و دست دوستی ...

وازده سال را در افغانستان گذشتانده بود. او روزگاری به زبان دری مسلط بود اما بعد از خروج نیروهای روسی از افغانستان دیگر فرصتی برای تمرین و محاوره بمیان نیامده بود و این زبان را فراموش کرده بود. همهء روسهائی که روزگاری بزبان های پشتو ودری آشنائی داشتند به دلیل اینکه سالها فرصت سخن گفتن به این زبانها را نداشتند اکنون به مشکل قادر به تکلم به این دو زبان بودند.

آخرین دیدار هیئات با وفگینی پریماکوف یکی از صدراعظمان دوران اتحادشوروی بود که اکنون در مقام رئیس اطاقهای تجارت روسیه ایفای وظیفه می کرد. به نظر می رسید که این مقام برای وی بیشتر جنبهء تشریفاتی دارد تا دولت مدودوف یکی از شخصیت های با تجربه و درعین حال خوش نام دوران اتحاد شوروی را نیز در کنار خود داشته باشد و از وی در موارد مختلف مشوره بگیرد. پریماکوف در سخنان خویش تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان را یک اشتباه بزرگ خواند. وی گفت:

حوادث افغانستان روزبروز اهمیت بیشتر کسب می کند. من از امریکائی ها در مورد اهداف شان در افغانستان پرسیدم آنها خاموش ماندند. بعدا من سوالات دیگری را مطرح کردم: آیا شما برای مبارزه با تروریسم آمده اید؟ اگر چنین است پس چرا وقتی قبلا در منطقهء قبایل این کمپ ها وجود داشت اقدامی علیه آن نکردید؟ چرا مبارزه با مواد مخدر اینقدر ضعیف است و با استقرار ناتو تولید آن بیشتر شده است؟

بعد از ماجرای یازدهم سپتامبر دلیل مداخلهء آنها روشن بود اما اکنون با گذشت هر روز درک این مسئله که چرا آنها در آنجا هستند دشوار تر می شود.

پریماکوف از مذاکره با مخالفین دولت استقبال نمود و گفت که روسیه می خواهد دست دوستی بسوی افغانها دراز کند. او اوضاع پاکستان را نیز وحشتناک خواند او تاکید نمود که روسیه می تواند شریک خوبی برای افغانستان باشد.

ارستاکوف ابوبکر رئیس بانک صنعتی روسیه که در این ملاقات حضور داشت گفت: یکسال قبل شورای کاری روسیه افغانستان بمیان آمد که ریاست آن در روسیه بعهدهء من است. در طول این مدت ما کارهائی را انجام داده ایم از جمله ارسال ماهانه ده هزار تن آرد، چوب ساختمانی که در آینده مقدار آن افزایش خواهد یافت. فابریکهء خانه سازی احیا خواهد شد. ما می خواهیم فابریکات سمنت را در افغانستان بازسازی نمائیم.

جانب روسی از اینکه افغانستان در جهت بمیان آوردن شورای کاری از طرف خود اقدامی نکرده و در مورد اقدامات روسیه بی عتناست، ابراز ناخشنودی نمود.

بصورت کلی می توان گفت که روسها تمایل زیادی به کار در افغانستان وهمکاری در زمینه های مختلف دارند اما به نظر می رسد موانعی در این راه در افغانستان موجود است که از میان برداشتن آن شاید زیاد در توان دولت افغانستان هم نباشد.





فراز و فرودهای نخستین حزب سیاسی اسلامی در ترکیه

عبدالقیوم ملکزاد

قبل از انشعاب آقای اردوغان در تشکیلات حزب "رفاه" به عنوان معاون آقای اربکان ایفای وظیفه می کرد، متعاقب جدا شدنش از کنار اربکان در صدد گشایش صفحه جدیدی از دفتر تاریخ فعالیت های سیاسی اسلامگرای در این کشور شد. به گونه یی که چنین فعالیت ها جریان مربوط به وی را وارد مرحله جدیدی ساخت که در صفحات بعدی بالای آن بیشتر مکث خواهیم کرد.

****

گولن خود را مستقیما درسیاست های ترکیه دخیل نکرده وهمیشه رویکردمخالف با اسلام سیاسی اتخاذ کرده است.

" در فرآیند و سیرتاریخی- سیاسی تقابل لائیسم واسلامگرایی در ترکیه، یکی دیگر از فراز های نقاط عطف، پیروزی چشمگیر حزب اسلام گرای "رفاه" به رهبری آقای نجم الدین اربکان در انتخابات ریاست های بلدیه سال ۱۹۹۴ میلادی بود."

وقتی که وابستگان حزب رفاه با احراز کرسی های ریاست های بلدیه شهرهای مهم ترکیه نظیر استانبول، ازمیر، انقره و ... از خود مدیریت های موفق و خوبی نشان دادند، سیر پیشرفت اسلامگراها چشمگیرتر واقبال مردم نسبت به آنان بیشتر شد. به گونه یی که در نخستین انتخابات پارلمانی "رفاه" موفق به کسب آرای قابل توجهی گردید چنانچه مجموع آرای بدست آمده به وسیله هواداران "، حزب رفاه" ۲۸ پست ریاست بلدیه در ولایت وشش پست بلدیه از پایتخت بود واین پست ها علاوه از رهبری ۳۲۷ دولت محلی بود که حزب متذکره آن را از آن خود کرد. رفاه در پارلمان ۱۹ درصد از کل آرای انتخابات را به خود اختصاص داد، اما در انتخابات سراسر سال ۱۹۹۵ موفق به افزایش آرای خود گردید که مجموع آن۲۱/۴ آرا شد. و درنتیجه ائتلاف با حزب"راه راست" به رهبری خانم تانسو چیلر به تاریخ بیست و هشتم جولای ۱۹۹۶ میلادی به عنوان اولین نخست وزیر اسلامی، در جمهوری ترکیه شناخته شد.

اما تهدیدات ارتش آهسته آهسته موجبات افول خورشید اقبال اسلام گراها را فراهم آورد. زیرا جنرالان ترکیه هر زمانی که احساس می کردند اصول لائیسم و میراث مصطفی کمال اتاترک به شکلی زیر سوال رفته و یا در معرض تهدید قرار گرفته، اقدام به راه اندازی کودتاکرده اند و نظامی را که روی صحنه قرار داشته، به سقوط مواجه ساخته اند، به جای آن یک حکومت نظامی را به میان آورده اند و این یکی از آسانترین طریق ضربه دادن به مخالفین محسوب می شد.

و این درحالی بود که ائتلاف دوحزب بر سراقتدار (رفاه وراه راست) بیشتر از یک سال دوام نیاورد.

طوری که سید مصطفی مفید نژاد تحلیل کرده، این بحران در آغاز از فعالیت های ضد سکولاری معاون و شهرداران حزب رفاه به وجود آمده بود. متعاقباً اقداماتی نظیر اخراج افسران اسلامگرا از چوکات ارتش در دسامبر ۱۹۹۶، در خواست لغو قانون منع حجاب برای محصلات و زنان دانشجو، نحوهٔ خدمات شهری، مشاجره بر سرساخت مساجد در میدان هوایی استانبول وهمچنان ارتباط با گروه های مبارز اسلام گرا بود که ارتش وادار شد. درماه می ۱۹۹۷ رهبران حزب رفاه را به دادگاه بکشاند و بدینترتیب آقای اربکان از حضور در عرصه سیاسی منع شد و به تاریخ ۲۰ ژوئین (جنوری) ۱۹۹۷ اربکان مجبور به استعفا گردید.

دراین سال مشکل تنها از بیرون متوجه سالمت و یک پارچگی و قوت حزب رفاه نگردید، بلکه زمینه آن نیز فراهم آمد تا چند دستگی درونی نیز به آن پدید آید.

با انشعاب حزب مقتدر رفاه، روند روبه رشد اسلامگرایی کماکان ادامه پیدا کرد.

این نکته نیز قابل ذکر است که پس از ایجاد دو دستگی، دسته اول(حزب منشعب شده) را "سنت گراها یا جناح محافظه کار" می نامیدند که رهبری آن را شخص آقای نجم الدین اربکان به عهده داشت و دسته دوم را "مدرنیست ها" می خواندند که زعامت آن را آقای رجب طیب اردوغان به دست گرفته بود.

سنت گرا ها حامیان تازه شان را از میان طریقت نقشبندیه بر می گزیدند. درحالی که "مدرنیست ها" یا اصلاح طلب ها خود را "پراگماتیست"، شهری قلمداد می کردند.

قبل از انشعاب آقای اردوغان در تشکیلات حزب "رفاه" به عنوان معاون آقای اربکان ایفای وظیفه می کرد، متعاقب جدا شدنش از کنار اربکان در صدد گشایش صفحه جدیدی از دفتر تاریخ فعالیت های سیاسی اسلامگرای در این کشور شد. به گونه یی که چنین فعالیت ها جریان مربوط به وی را وارد مرحله جدیدی ساخت که در صفحات بعدی بالای آن بیشتر مکث خواهیم کرد.

آقای نجم الدین اربکان پس از انحلال حزب رفاه مجال ساختن حزب دیگری را پیدا کرد و نام آن را فضیلت گذاشت.

حزب فضیلت به وسیلهٔ ۲۳ تن از اعضای رفاه، توسط "رجایی کوتان" به تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۷ به فعالیت های خود آغاز کرد. اما رهبری اصلی حزب را به طور غیر رسمی شخص آقای اربکان به عهده داشت.

زیرا اربکان متعاقب انحلال رفاه همراه با "غزان" معاون حزب و سه نفر دیگر از اعضای رهبری، برای پنج سال از فعالیت های سیاسی به وسیله دادگاه قانون اساسی محروم شناخته شده بودند.

موضوع قابل توجه این بود که: فضیلت با وصف انشعاب، از پایگاه مردمی قوی یی برخوردار بود، چنانچه قرارداشتن ۱۴۴ کرسی در اختیار آن حزب، نشانه قوت آن به شمار می رفت.

اما متعاقباً کشمکش های درون حزبی تنها به انقسام اسلام گرا ها به دودسته خاتمه پیدا نکرد، بلکه همچنان تداوم یافت و این اختلاف و کشمکش ها ازبروز ادعای به دست آوردن قدرت بیشتر ناشی می شد که نتیجتاً منجر به استعفای عده زیادی در سال ۱۹۹۹ شد و حزب فضیلت را به تضعیف وا داشت.

آقای محمدحسین خورشیدی یکی از تحلیل گران ایران در ارتباط با جدایی اربکان واردوغان می گوید:

"زمانی که اردوغان شهردار =(شاروال) یا رئیس بلدیهٔ استانبول بود، از هیچ ایدئولوژی خاصی پیروی نمی کرد، اما عملکرد او پراگماتیستی بود. او ارتباط تنگاتنگی با بخش خصوصی داشت و ازتمرکزگرایی انتقاد می کرد که این کار او را با اربکان در تضاد قرار داد.

وقتی که اربکان به عنوان صدراعظم اولین سفرخارجی اش را به ایران و لیبی انجام داد. اردوغان با بهبود بخشیدن به وضع زندگی مهاجران فقیر در حال کسب اعتبار بود. وقتی که اردوغان نپذیرفت که برای جمع آوری اعانه از ترک های مقیم آلمان به این کشور سفر کند ارتباط آن ها دچار مشکلی حاد شد"

این که موقف آقای فتح الله گولن یکی از چهره های بارز مذهبی در ترکیه- که امروز در۱۱۵ کشور مکاتبی در سطوح مختلف تاسیس کرده و در سال ۲۰۰۸ به عنوان بزرگترین روشنفکر جهان شناخته شد... درارتباط به برکنارشدن آقای نجم الدین اربکان ازمقام صدارت عظمی و واردآمدن فشار در سال ۲۸ فبروری ۱۹۹۷ به وسیله ارتش به تعبیر دیگر اعمال کودتاه چگونه بود، تحلیگری به اسم "احسان مسعود" در مقاله یی زیرعنوان(روشنفکر اول جهان چنین می نویسد:

گولن خود را مستقیما درسیاست های ترکیه دخیل نکرده وهمیشه رویکردمخالف با اسلام سیاسی اتخاذ کرده است.

مذهب در نزد او تقوی و پرهیزگاری فردی است و نه ایدئولوژی سیاسی.

اویکی از منتقدان سرسخت وجدی نجم الدین اربکان- رهبر حزب رفاه {اما}بود که در اواخر۱۹۹۵ دولت ائتلافی کوتاه مدتی با حزب "راه راست" تشکیل داد. گولن حتی از"کودتای نرم" فوریه ۱۹۹۷ که اربکان را مجبور به استعفا کرد، حمایت می کرد".

جبههٔ ملی از یک آزمون دیگر ...

برنامه های اساسی دولت آینده، عاجل ترین چالش نامزد جبهه ملی است. در مبارزات انتخاباتی باید به عمده ترین مشکلات و دشواری های مردم راه کارهای روشن وامیدوارکننده ارائه شود، فقر، بیکاری ومشکل اقتصادی مهمترین دغدغه های مردم است، دربرنامه های آقای عبدالله باید ایجاد اشتغال، رشد تولیدات داخلی، توجه به احداث و بنای زیرساخت ها برجسته باشد، زراعت شغل اکثریت مردم است، در این زمینه ایجاد بند ها و نهرها، مدرن سازی زراعت، ایجاد فارم ها و دادن قرضه به کشاورزان از اهمیت خاصی برخوردار است. برای ایجاد زیر ساخت های انرژی، راه ها و عرضه خدمات شهری، اصلاح و تقویت معارف که در نتیجه سیاست های نادرست حکومت دچار آسیب شده است و توسعهٔ خدمات صحی باید برنامه های مشخص و تدوین گردد.

ایجاد راهکار مبارزه با فساد که متاسفانه از هفت سال بدین سو رو به افزایش بوده و دستگاه حکومت را فلج کرده است، برای دادن اطمینان وجلب حمایت رای دهندگان بسیار ضروری است.

اصلاح ساختار نظام که درنتیجه امیال غرض آلود شماری از سیاست مداران و مداخلات آشکار خارجیان، به صورت ناسازگار با واقعیت های جامعه ما بنیان گذشته شده، باید در راس اولویت های حکومت جبهه ملی قرار داشته باشد. اصلاح قانون اساسی از طریق پیش بینی شده آن، ایجاد نظام پارلمانی، تقویت نهادهای حکومت و دادن صلاحیت به موسسات ولایتی مانند انتخابی شدن والی ها و مسؤولین بلند پایه، تقویت شوراهای ولایات و ولسوالی ها باید از برنامه های مشخص نامزد جبههٔ ملی باشد.

آقای عبدالله عبدالله درپهلوی تدوین سیاست دولت آیندهٔ خویش، باید ملتفت باشد که در جامعه افغانستان مردم سالاری تجربه جوان بوده ساختارهای سنتی قدرت وجود دارد که شماری از مردم ترجیح می دهند که رهبران شان به جای آن ها تصمیم بگیرند، بنابر این جلب حمایت رهبران اتنی و محلی اهمیت فراوان دارد.

جوِّ انتخابات آینده ریاست جمهوری چگونه خواهد بود؟



عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

هرچند جامعه جهانی، به ویژه امریکا وغرب خود را در انتخابات آینده کشور بی طرف اعلان کرده می گویند که از هیچ کاندیدی معین حمایت نخواهند کرد. امیدهای را در میان عناصر ملی که کمتر با جامعه جهانی شناخت دارند، به وجود آورده است، اما این امید واری چندان نیرومند نیست.

افغانستان در سال روان دومین دور انتخابات ریاست جمهوری را تجربه خواهد کرد، در هفته های اخیر فعالیت های پشت پرده نامزد های این پست شدت اختیار نموده است. این فعالیت ها در شرایطی درافغانستان حال وهوای خاص پیدا کرده است که به ثبت نام نامزدهای ریاست جمهوری چند روز محدودی باقی مانده است. تلاش ها برای احراز کرسی ریاست جمهوری از چانه زنی های پشت پرده شروع و به نشست ها و مسافرت های برون مرزی، همین گونه نشست های غیررسمی وعده ها وعیدها از سوی برخی از کاندیداتوران همراه بوده است. یک چیزی که مروز ذهنیت عمومی جامعه را به خود مشغول نموده حمایت کشور پرقدرت امریکا از نامزد مورد نظر است.

اما یک نوع بی باوری به اراده مردم در جامعه به میان آمده است. که برخی از نامزد ها هم قبل از آن که به فکر آرای مردم باشند، به دنبال جلب اعتماد کشوره های خارجی می باشند.

از آنجایی که امریکا و غرب تا کنون از هیچ یک از نامزدها احتمالی ریاست جمهوری اعلان حمایت نکرده است یک نوع سر درگمی در میان نامزدها به وجود امده و چانه زنی های غیر رسمی و پشت پرده شروع شده است. از آنجایی که درافغانستان تاکنون حزب قوی ونیرومند وجود ندارد که نامزدها بتوانند درچتر یک چنین حزب به بازی های کلان بپردازند، این امر نامزدهای ریاست جمهوری را وا داشته است تا به سران اقوام و قبایل و عشیره ها و اتنی های مختلف روی آورند. جناح های حاکم نتوانسته به وعده های انتخاباتی که داده بود، عمل نماید ویا کسانی که در یک ائتلاف بودند، برای مدت طولانی نتوانستند به این ائتلاف پای بند باشند. عدم اعتماد و شک وتردید وعمل نه کردن به وعده ها مهم ترین عامل نا توانی به توافقات ورسیدن به یک ائتلاف میان گروه ها و سیاست مداران درافغانستان است.

برخلاف دور اول ریاست جمهوری شور چندانی درمیان مردم وجود ندارد، زیرا مردم افغانستان دریافته اند که دیگر فریب تبلیغات را نخواهند خورد. اگر در دور اول ریاست جمهوری از آقای کرزی حمایت سران گروه ها، احزاب سیاسی احزاب جهادی تکنوکرات ها واعضای خانواده شاه سابق وجود داشت، اما امروز یک چنین حمایت از نامزدهای ریاست جمهوری به نظر نمی رسد. بحران های اقتصادی سیاسی و اجتماعی درمیان مشکلات فراوانی به وجود آورده است.

طوری که میزان حمایت از نامزد های ریاست جمهوری به دلیل این بحران ها درمیان مردم کاهش یافته است و بحث در این مورد مبارزات انتخاباتی را یک ترفند سیاسی و کار بهیوده، تلقی می کنند.

هرچند جامعه جهانی، به ویژه امریکا وغرب خود را در انتخابات آینده کشور بی طرف اعلان کرده می گویند که از هیچ کاندیدی معین حمایت نخواهند کرد. امیدهای را در میان عناصر ملی که کمتر با جامعه جهانی شناخت دارند، به وجود آورده است، اما این امید واری چندان نیرومند نیست.

تعدادی از نامزدهای ریاست جمهوری که حال و هوای خارجی دارند و با پول و حمایت خارجی ها به شهرت رسیده اند. شعار می دهند که امروز جهان به یک دهکده تبدیل شده است و همه تحت نظام نوین باید اداره شود از زبان هریک شان استشمام می گردد که تنها وابستگی است که می تواند این کشور را نجات دهند. برخی از نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری با کرایه نمودن یک تعداد انسان های گرسنه وخسته هیاهو به راه انداخته اند.

به رنگ نمونه آقای خلیل زاد با ترفندهای سیاسی یی که داشت تعدادی را در فیض آباد به حمایت خود فراخواند و درهمان نشست جواب درخوری دریافت نمود. به همینگونه با دربامیان و مزار شریف به چنین کاری دست یازید که نتجه نداشت و مردم غزنی با سنگ و چوب مقدم مهمانان کرایی را خیرمقدم گفتند ودرشهر جلال آباد از سوی شرکت کنندگان به آن جواب رد داده شد.

آنچه از عکس العمل های مردم معلوم می شود دیگر آن ها از خارجی ها وعده های میان خالی آن هانا امید شده اند، امروز مردم فکر می کنند که خلیل زاد هیچگاه در مصائبی که ظرف این سال ها رخداده است، از مردم افغانستان حتی حمایه سیاسی نکرده است و درکشتارهای که از سوی نیروهای ائتلاف صورت گرفته، و هیچ گاهی خمی به ابرو نیاورده است. در کشتارهای دسته جمعی اسرائیل در نوار غزه و سایر مناطق فلسطین، این خلیلزاد بود که به علنی وآشکار از اسرائیل حمایت کرد.

فضایی انتخابات آینده با توجه به نا امنی های برخی از مناطق کشور، نقض مواد قانون اساسی و عدم مشروعیت ادامه کار حکومت تنش آلوده خواهد بود.

آیا شریعت اسلامی سهم زنان درمیراث...

همچنان اگر متوفی مرد مجرد باشد، به پدر دوسوم وبه مادر سوم حصه میراث تعلق می گیرد. اگر متوفی زن باشد، شوهر نصف میراث را می گیرد واگر متوفی شوهر باشد، خانم چهارم حصه میراث می رسد. اگر متوفی پسر داشته باشد، برای شوهر چهارم حصه وخانم هشتم حصه میراث رااخذ می نمایند، علت سهم بیشتر مرد در این حالات این است که مسؤولیت تأمین نفقه به عهده مرد بوده وزن مجبور به پرداخت نفقه نمی باشد.

در مواردی زنان سهم برابر با مردان به دست می آورند، مثلا زمانی که زنان با بردران مادری در میراث شریک شوند، همه آنها سهم برابر را بدست می آورند. اما اگر زن دختر متوفی باشد، سهم بیشتری به وی تعلق می گیرد. اگر برادر تنی متوفی ودختر وی وارث باشند، دخترنصف متروکه را بدست می آرد واگر دو یا بیشتر از آن باشند،دوسوم حصه میراث را نصیب می شوند، اگر با دختران همسر و مادرو پدر باشند، برای همسر هشتم حصه، برای هریک از مادر وپدر بصورت همسان ششم حصه وبرای وارثین دیگر سوم حصه تعلق می گیرد. در این حالت مردوزن بصورت مساویانه میراث می گیرند وبازمانده میراث به کاکاهای متوفی تعلق می گیرد. بنابراین سهم دختر بسیار بیشتر از سهم برادر تنی می باشد.

سهم مادرِمادر هرچند که پیوند دورتری نسبت به پدر دارد، با پدر مساوی می باشد این را می توان نشانه ارزش گذاری اسلام برای زنان شمرد، سهم خواهرِ مادر با برادر تنی نیز مساوی است.

شریعت اسلامی برای کودکان به علت آن که نیازمندی بیشتری به امکانات مالی دارند، سهم بزرگتر نسبت به بزرگ سالان در نظر گرفته، به همین اساس است که، سهم دختر بیشتر از سهم پدربزرگ است، اگر وارث یک دختر باشد، نصف ارث به وی تعلق می گیرد واگر شمار آن ها دو یا بیشتر از آن باشد، سوم حصه میراث را از آن خود می کنند وپدربزرگ تنها ششم حصه میراث را نصیب می گردد .

اگر متوفی زن باشد نصف متروکه برای دختر وچهارم حصه آن به شوهر تعلق می گیرد. در این حالات زن دوچند مرد سهم به دست می آورد.

در حالاتی که مرد دو برابر زن ارث می برد، حالتی است که ارث میان خواهران و برادران توزیع گردد.

همچنان اگر متوفی مرد مجرد باشد، به پدر دوسوم وبه مادر سوم حصه میراث تعلق می گیرد. اگر متوفی زن باشد، شوهر نصف میراث را می گیرد واگر متوفی شوهر باشد، خانم چهارم حصه میراث می رسد. اگر متوفی پسر داشته باشد، برای شوهر چهارم حصه وخانم هشتم حصه میراث رااخذ می نمایند، علت سهم بیشتر مرد در این حالات این است که مسؤولیت تأمین نفقه به عهده مرد بوده وزن مجبور به پرداخت نفقه نمی باشد.

بنابراین می بینیم، در صورتی که پرداخت نفقه بر عهده مرد نباشد، زن ومرد دارای سهم مساویانه در میراث می باشند.

اما اگر نفقهٔ زنان میراث گیر بر دوش مردان و ارث گیر نباشد، برای مردان سهم بیشتر تعلق می گیرد، مانند آن که میراث بین برادران وخواهران ناتنی توزیع گردد، در این حالت اگر یک دختر وارث باشد، برای دختر وبرادر ناتنی بصورت مساویانه ششم حصه تعلق می گیرد واگر وارثین بیشتر از دو دختر باشند، برای همه آنها سوم حصه نصیب گردیده، متباقی ارث به برادران ناتنی تعلق می گیرد. مردان مسؤولیت پرداخت نفقه خواهرانِ مادری را به عهده ندارند، اما مسؤولیت پرداخت نفقه اقارب پدری را دارند.

واگر زنی وفات نماید ووارثین وی پدر ومادرش باشند، برای هریک از پدر ومادر مساویانه، ششم حصه میراث تعلق می گیرد واگرافزون بر پدرومادر، شوهر ویک دختر متوفی در جمله وارثین وی باشند، در این حالت نیز پدر ومادر سهم مساوی داشته هریک از آنها ششم حصه را نصیب می گردند. واگر متوفی دودختر داشته باشد، برای پدر ومادر ششم حصه میراث تعلق می گیرد. همچنان مادرِ مادر علی الرغم این که پیوندی دورتری نسبت به پدر دارد، سهم آن مساوی به سهم پدر متوفی است وبرای هر یک از آنها ششم حصه میراث تعلق می گیرد.همچنان سهم زن برابربا سهم برادران ِمادری می باشد. اگر متوفی یک وارث داشته باشد، این وارث زن باشد ویا مرد، تمام متروکه به وی تعلق می گیرد.خواهر تنی با برادر تنی دارای سهم مساوی اند، اگر متوفی زن باشد، برای شوهر وپسر بصورت مساویانه نصف متروکه، تعلق می گیرد واگر وارث یک دختر باشد، نصف متروکه را بدست می آرد.

بناءً این تصور که اسلام در میراث برای زنان به صورت عموم نصف سهم مردان را در نظر گرفته نادرست است، بلکه شریعت اسلامی در توزیع میراث عوامل چون مکلفیت های مالی ورثه، نیازمندی آن ها و پیوند های خویشاوندی را مهم می داند و مساله جنسیت وارث و مرد بودن و زن بودن آن را، عامل تعیین کننده اندازهٔ سهم نمی داند.

دملاکنډ د سيمې لپاره د عدالتي نظام په تړون سره

زرداري دڅټک او سندان ترمينځه

مخې پدې هکله په خپله يوه مرکه ويلي ؤ چې دغه تړون دومره د ارزښت وړاو نوې خبره ځکه نده چې د تړون له مخې د اسلامي محاکمو نظام يې بنيادي خبره ده او دده وينا له مخې له څوکلونو راهيسې په دغه سيمه کې دغه نظام شتون لري، د زرداري داخبره ترڅه حده صداقت لري چې ريښتيا هم دشريعت په نوم معاهده د ملاکنډ په قبايلي منطقه کې نږدې پنځلس کلونه مخکې په ۱۹۹۴ ميلادي کال کې منلی شوی ، او په خپله دپاکستان دخلکو ګوند پخوانۍ مشرې بې نظيربوټو هم يې دپلي کيدو په هکله د سيمې د خلکو سره وعده کړيوه چې بيا په ۱۹۹۹ په کال پکې يوڅه زياتوني او بدلون راغی خو بيا هم د دولت لخوا يې دپلي کولو وعده ورکړاې شوه او عملي تطبيق يې هم دقاضيانو په ګمارلو سره آغازشو خو دشريعت د غوښتنې خوځښت په وړاندې يې نيمګړتياوې لرلې چې له همدې امله د دغه خوځښت لخوا پکې ديوځه بدلونونو غوښتنه کيدله او دوه مياشتې دمخه دهغې بدلونونو او اصلاحاتو وروسته چې دتړون دواړو لوريو لخوا و منل شو، په پښور کې ددواړو لوريو لخوا د دريو تنو استازوپه يوه غونډه کې لاسليک او د زرداری لخوا توشيح ته وليږل شو چې توشيح کول او نه توشيح دواړو يې دپاکستاني ولسمشر لپاره بيلابيل ګواښونه لرل، ځکه چې توشيح کول يې دنړيوالو لخوا تاندرۍ را اوچتولې او نه توشيح کول يې د واکمن ګوند په پلويانوکې د لارې دجلاکيدو لامل ګرځيده، ولې چې د واکمن ګوند له خپل مرکزي پارلمان څخه دباور دراې داخستلو په وخت کې اوهم دحکومت جوړولې په وخت کې د نوازشريف دمسلم ليګ ګوند د ملاتړ سربيره په په سرحدايالت کې دپښتنو دحقوقو غږ اوچتونکي ګوند عوامي نشنل پارتۍ او دطالبانو د ملاتړې ګوند جمعيت العلما ملاترلرلو اونږدې يوه مياشت مخکې په پنجاب ايالت کې د نوازشريف د ورور شهبازشريف دحکومت ددغه دهيواد دهغې محکمې لخوا دنومورې په نا اهل ګرځولو سره له ړنګيدو وروسته دپاکستان په مرکزي پارلمان مسلم ليګ ملګرتيا له لاسه ورکړه، او کله چې دپاکستان پخوانې قاضي القضات افتخار محمدچودهري او دهغه ملګري قاضيان دخلکو ګوند حکومت پرخلاف په خپل سرتاسری پاڅون کې بريالي شونو دخلکو ګوند نورهم ضعيف شو.

او له بلې خوا دغه تړون دعوامي نشنل پارتۍ د ايالتی حکومت دمشرحيدرخان هوتي لخوا له شريعت غوښتونکي خوځښت سره لاسليک شوي، چې هغوې هم يوه اونۍ وړاندې دسرحدايالت دخلکو او په ځانګړې توګه دسيمې دخلکو دفشار په نتيجه کې مرکزي حکومت ته کرښه راښکله او آصف علي زرداري ته يې ګواښ وکړ چې ليږلې شوي تړون په خپل لاسليک سره توشيح نکړې نودوي دحکومت سره په خپله ملګرتيا باندې له سره غوره وکړي چې دعوامي نشنل پارتۍ ګواښ واکمن ګوند ته يو جدي ګواښ ګڼل کيږي. لکه دغه ګوند په مرکزي حکومت دسندپه ايالت کې هم دخلکو ګوند دحکومت ملاتړ دي چې په سرحدکې دنومورې ګوند واکمني ده، نوځکه زرداري دي ته اړشوچې دغه تړون لومړي دمرکزي پارلمان لخوا تصويب اوبيا توشيح کړي چې دنومورې دغه اقدام دنړيوالو په خوله يوګوزار هم کيداې شي ځکه تړون دکراچۍ مهاجر دقومي مومنټ له زبانې مخالفت پرته په مرکزي پارلمان کې درايو په اتفاق سره تصويب شو. ولې چې د رايو اچولو په وخت کې دغه مومنټ (اتحاد) دتړون په مخالفت کې هم رايه ورنکړه نو لکه ورته په اتفاق تصويب شوي تړون ويل کيږي اوس که دقانوني او دموکراسۍ له اصولو له مخې نړيوال دپاکستان په حکومت باندې پدې هکله کومه نيوکه نشي کولاې خودترهګرۍ! پرخلاف دپټ پټوني په روانه جګړه کې چې په سيمه کې روانه ده، د امريکا نوې استراتژۍ هڅوونکې عنصر(دسيمې دواړو هيوادونو افغانستان او پاکستان سره مالي ملاتړ چې پاکستان لپاره په راتلونکوپنځو کلونو کې اوه مليارد دالر اعلان شوي) بياهم پاکستان دې اړباسي چې دنړيوالو او په ځانګړې توګه د امريکا باور ترلاسه کړي نوځکه

> **داچې دغه تړون څه معنا لرى او په کومو ځايونو کې بۀ يې اغيزوي، دتړون له مخې به طالبان يا ددولت مخالف خوځښت چې دشريعت غوښتونکي خوځښت دي، د مخالفت، پاڅون او وسلې ګرځولو حق نلري، دخلکو مسالې او شخړې به داسلام د عدالتي نظام له مخې حل کيږي او په دغه هيواد کې دڅلورومحکمو رايج نظام نور پدې سيمه کې لنډوي او په عاجله توګه به خلک انصاف ته رسيږي**

لاپاکستان تراوسه (دتړون لاسليک وروسته هم) دڅټک او سندان ترمينځه قرار لري، ولې چې له يوې خوا په سرحد ايالت کې له څلور و دويژنونو څخه ديو دويژن (ملاکنډ ايجينسي) دخلکو غوښتنې منل هم اړين دي او دنړيوالو باورهم ضروري دي چې همدا ګواښونه د دې تړون په تطبيق کې دخنډلامل ؤ.

داچې دغه تړون څه معنا لرى او په کومو ځايونو کې به يې اغيزوي، دتړون له مخې به طالبان يا ددولت مخالف خوځښت چې دشريعت غوښتونکي خوځښت دي، د مخالفت، پاڅون او وسلې ګرځولو حق نلري، دخلکو مسالې او شخړې به داسلام د عدالتي نظام له مخې حل کيږي او په دغه هيواد کې دڅلورومحکمو رآيج نظام نور پدې سيمه کې لنډوي او په عاجله توګه به خلک انصاف ته رسيږي او دايو حقيقت دي چې په پاکستان کې ددغه هيواد له خپلواکې راهيسې جې تراوسه کوم دمحکمو نظام چليږي هغه يو غيراسلامي او انګريزي نظام دي چې خلک ورڅخه په تمامه معنا تنګ راغلي دي، نو اوس به لدې وروسته دملاکنډ په سيمه کې چې د دېر ، سوات، پونيراوشانګلې څلور ضلعې چې دهزارې د کوهستانونو او چترال سيمې هم په مرکې نيسی ددغه تړون دتطبيق ځايونه وي، البته دتړون د تطبيق په آغاز سره به معلوم شي. چې پدې سيمه کې به له دې وروسته واکه دچا په لاس کې وي ځکه دپاکستان اردو، پوليس، څارندوي او مليشې ټولې څلورواړه امنيتي ځواکونه دطالبانو او شريعت غوښتونکو دپراخه مخالفت او مقاومت په نتيجه کې له ماتې خوړلو وروسته له سيمه څخه وتلې ؤ او تردامهاله هلته نظام دطالبانو په لاس کې ؤ چې له دې وروسته به يې څه حالت وي، داچې دغه نظام دتطبيق لپاره د مسوولين او قاضيان څوک معرفي کوي له معاهدې بريښي چې ترڅو د مولوي صوفي محمد په خوښه سړي ونه ګمارل شي نوهلته به کارونکراې شي ځکه له همدې امله خوددې معاهدې په مواد کې چې پنځلس کلونه مخکې د شريعت ريګوليشن په قوم موجوده ده بدلون راغې.

پاتې شوه داخبره چې په سيمه به يې او په ځانګړې توګه څمونږ په هيوادڅه اغيزوي نو دشريعت ريګوليشن دغه تړون دطالبانو نظام نه دي، ځکه پدې هکله دسيمې دمشهور ملي مشرافضل خان لالا دپاکستان د يو تړون آزاد خياله اسلامي مخکښ داکتر فاروق او هم دسرحدايالت لومړي وزير حيدرخان بيوتې باورونه په حواله کوي چې دغه معاهده د طالبانو له نظام څخه توپير لري او له بلې خوا دصوفي محمد پيروان د وزيرستان، کرم مهمند و او اورکزيو ايجنسيو(قبايلي سيمو) کې له بغاوت او طالباني حرکت څخه دمخه موجودؤ. که څه هم څمونږ په هيواد کې دطالبانو د رژيم دړنګيدو په مهال چې دامريکايي مداخلت بمباريو او توغنديو په ورولو له مينځه ولاړ- ددغه خوځښت يو شمير پلويانو افغانستان ته هم رادانګلي ؤ خو له هغې وروسته دغه تحريک دنورو قبايلي سيمو طالبانو د مقاومت او بغاوت په څيرمتشدد او سخت دريځه ندي، که څيرې په سيمه کې ديوريښتوني شريعي نظام په راتګ سره مطمئن شي، ښايي افغانستان ته ګواښ نه اوسي او همدارنګه له بلې خوا هغه څلورضلعې چې دغه خوځښت پکې شتون لري دافغانستان سره پوله هم نلري ځکه د دغو سيمو او افغانستان ترمينځه د مهمندو ايجينسي قرار لري چې هلته طالبان ډيرواکمن ندي او همدارنګه ددغه تړون په لاسليک کولو کې دعوامي نشنل پارتي رول دسرحد ايالت دنورو مطرحو ګوندونو لکه جماعت اسلامي او جمعيت العلما په پرتله زيات دي اوله عوامي نشنل ګوند څخه دافغانستان اوسنې دولت داوېره نلري چې په سيمه کې دافغانستان دولت مخالف خوځښتونه پريږدي.

وفات شیخ ابراهیم ...

من مؤفقیت خودرا مرهون نظام آموزشی میدانم که درکودکی برای ما شیخ جلیدان مهیا ساخته بود.

مولوی غلام ایشان ضمن قدردانی ازخدمات شیخ جلیدان وی را آدم خیراندیش خواند وتاکید کرد وی با انجام کارهای خیریه دراذهان مردم افغانستان باقی خواهد ماند ومرگ وی پایان یا د و خاطرات نیک اونیست.

مرحوم شیخ جلیدان در مدینه منوره به دنیا آمد و یکی ازسرمایه داران متوسط عربستان سعودی بود. همزمان با آغاز جهاد مردم افغانستان، به پاکستان آمد و خدمت بزرگی درقسمت تعلیم و تربیه کودکان مهاجرین و مجاهدین انجام داد.

اوبیش ازهشتاد سال عمرکرد وچندی قبل دراثر مریضی که عاید حالش گردید به لقاء الله پیوست.

نمایشگاه کتاب سعادت ...

عربی و پشتو هم ازکشور پاکستان وارد می کنند.

مردم ازوضعیت خوبی اقتصادی برخوردارنیستند، تا در فکر خرید کتاب باشند اما این که آیا بازارکتاب خوانی وخرید کتاب درچه سطح قراردارد یازهم آقای سلیمی می گوید: به رغم تمام مشکلات بازهم بازارکتاب درکشوردرحال رشد وتوسعه است وبا گذشت هرروز کتاب مشتریان بیشترمی یابد وآینده بازار کتاب را بهترمی بینم.

به گفته او بیشترین مراجعه کنندگان این نمایشگاه را قشرجوان تحصیل کرده تشکیل میدهد که برای بلند بردن سطح دانش وآگهی شان کتاب مورد ضرورت خودرا می خرند.

با توجه به این که اکثردانشجویان ازوضعیت پولی خوب برخوردارنیستند آیا می توانند کتاب مورد ضرورت خودرا به قیمت ارزان بخرند، کارمند نمایشگاه کتاب گفت: ما سعی می کنیم با درنظرداشت شرایط اقتصادی هموطنان، کتاب را پائین تر از نرخی که بر روی جلد کتاب نوشته شده عرضه کنیم.

سرورسعادت برعلاوه این که کتاب را ازخارج کشور وارد می کند، سعی دارد با نهادهای انتشاراتی داخلی کمک کند تا بازار چاپ کتاب درداخل کشور رشد نماید و از این طریق برای توسعه فرهنگی در کشور کمکی انجام دهند.

نمایشگاه کتاب سرورسعادت، بزرگترین نمایشگاه کتاب در سطح کشور بوده وعلاقمندان کتاب میتوانند کتاب مورد نظر خویش را در آنجا بدست آرند.

هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکرند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم - سال هشتم - شمارۀ چهارم ۲۹ حمل ۱۳۸۸- ۲۲- ربیع الثانی ۱۴۳۰ - 18- April 2009

یک نمایشگاه بزرگ کتاب درکابل

نمایشگاه کتاب سرورسعادت





کتاب خانه سرورسعادت بیش از۲۰ سال قبل به شکل ساده وامکانات کم دریک غرفه چوبی ، درولایت تخار شروع به فعالیت نمود.

آقای سرورسعادت درآن زمان که تازه ازدانشگاه فارغ شده بود به این حرفه روی آورد وشاید هم خودش درآن وقت فکرنمی کردکه روزگاری به بزرگترین وارد ننده کتاب درکشورتبدیل شود وهمه روزه صدها جند کتاب به قیمت مناست به مشتریان خود عرضه نماید. اما عزم واراده قاطع و پشت کار وتلاش شبانه روزی آقای سعادت وی را کمک کرد تا دریک سطح کلان ترفعالیت های فرهنگی- تجارتی خودرا توسعه دهد که حاصل تلاش او یک نمایشگاه بزرگ کتاب درکابل وچند نمایشگاه دیگر درچند شهربزرگ می باشد.

نمایشگاه کتاب سرورسعادت که درجاده میوند نزدیک سپاه گمنام موقعیت دارد همه روزه به روی علاقمندان کتاب ومشتریان بازاست.

عبدالحق سلیمی فارغ التحصیل دانشکده حقوق وعلوم سیاسی که دراین نمایشگاه به صفت فروشنده کارمی کند می گوید: من به عنوان کسی که با کتاب وخواندگان کتاب انس دارم می بینم که همه روزه مردم به شوق وعلاقه مندی زیاد به این جا آمده کتاب های مورد نیاز خودرا خریداری می نمایند. اما این که چه نوع کتاب ها دراین نمایشگاه وجود دارد و به فروش می رسد، آقای سلیمی افزود، کتاب های که ما وارد میکنیم بیشترکتاب های دانشگاهی است که دربرگیرنده تمام رشته های تحصیلی ازحقوق، جامعه شناسی، اقتصاد، سیاست، مدیریت گرفته تا مسایلی طب، انجینری وکمپیوتر را دربر می گیرد او می گوید کتاب ها را ازکشورایران وارد میکنند، او افزود، مقداری کتاب های دینی،

ادامه در ص ۷

آیا شریعت اسلامی سهم زنان درمیراث را نصف سهم مردان تعیین نموده است؟

نویسنده: رجب البناء- برگردان به فارسی: مهدی

درغرب، اسلام را متهم به نقض حقوق زنان نموده ادعا می کنند شریعت اسلامی در مسأله میراث برای زنان نصف سهم مردان را تعیین نموده است. این دیدگاه بد بینانه غرب ناشی از بی اطلاعی آن ها از اسلام است. شماری از مسلمانان نیز ناآگاهانه این اتهام های غربی ها را تکرار می کنند.

البته این اتهام کاملا بی اساس است، در شریعت اسلامی در حالات خاصی برای زنان نصف سهم مردان تعیین گردیده است.اما این یک قاعدۀ کلی نبوده در مواردی، برای زنان سهم برابر با مردان تعیین گردیده ودر مواردی دوچند مردان برای زنان سهم در نظر گرفته شده است و حتی گاهی زنان صاحب سهم می باشند اما، برای مردان هیچ سهمی تعیین نشده است.

داکتر زینب رضوان که پژوهش های گسترده در علم میراث انجام داده می نویسد، دین اسلام در میراث معیارهای را درنظر گرفته که جنسیت انسان ها در آن نقشی ندارد، اسلام در زمانی برای زنان حق میراث وسایر حقوق تعیین نمود که از تمام حقوق محروم بودند.

اسلام برای ۸ دسته از زنان سهم تعیین نموده اما تنها برای ۴ دسته از مردان سهم تعیین کرده است.بر این اساس شریعت اسلامی دو چند مردان برای زنان سهم تعیین کرده است. این دسته ها را (اصحاب الفروض) می نامند، گروه های زنان که سهم شان تعیین شده عبارت اند از مادر، مادر کلان، خانم،دختر، دخترپسر، خواهر تنی، خواهرمادری وخواهر پدری ومردان دارای سهم عبارت ازپدر، پدربزرگ، شوهر وماما، می باشند، پیش از اسلام ماما از میراث محروم بود زیراکه پیوند او توسط زن تثبیت می شود.

ادامه در ص۴

داکتر عبدالله نامزد جبهۀ ملی...

دررأی زنی ومشورت بودند. آقای احمدضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری ودکترعبدالله مهم ترین نامزدان برای این سمت بودند که با انصراف معاون اول ریاست جمهوری دردوهفته پیش راه برای معرفی دکترعبدالله ازسوی جبهه ملی به این منظورهموار گردید.

جبهۀ ملی درزمانی دکترعبدالله را به این سمت معرفی کردکه مخالفان آن پیوسته با بوق وکرنا ازناتوانی جبهۀ ملی برای معرفی یک کاندیدا ودرنتیجه ازفروپاشی آن سخن می گفتند.

اما جبهۀ ملی با این تصمیم نشان داد که درجهت تحقق بخشیدن به فلسفۀ وجودی اش بسیارخوب عمل کرده است. فلسفۀ وجودی جبهۀ ملی چنان که برخی می گویند تلاش درجهت تداوم وضعیت کنونی وشرکت برخی ازافراد آن درحکومت کنونی نبوده است.

جبهۀ ملی برای پاسخ گفتن به نیازهای اساسی ومبرم جامعۀ افغانستان وایجاد تحولی بنیادین دراوضاع واحوال کنونی به وجودآمده وبه این منظورهمواره طرحهایی مؤثرارائه کرده است.

تأمین امنیت وبازسازی وایجاد یک نظام با ثبات وعادلانه ازنیازهای امروزجامعۀ افغانستان است که درطی چندین سال گذشته حکومت حاضرتوانسته است به گونۀ مؤثر درراستای تحقق آن گام بردارد.

جبهۀ ملی برای این منظور وبرای تحکیم وحدت ملی وجلوگیری ازموج قومگرایی به انتخاب دکترعبدالله مبادرت ورزیده است.

افغانستان به همکاری گستردۀ اقوام واحزاب ونهادهای مختلف نیازدارد، تابتواند با این چالش ها به مبارزه بپردازد.

جمعیت اسلامی افغانستان با احزاب وشخصیت های مؤتلفش درجبهۀ ملی به این باورهستند که دکترعبدالله با پیشینۀ جهاد وآشنایی اش با مسائل ملی وبین المللی وتجارب سیاسی ومدیریتی اش می تواند گزینه یی خوب برای پاسخ دادن به همۀ این چالش ها باشد ونیزبه این باورند که با تفاهم هرچه بیشترمیان کاندیدا ها ونزدیک کردن فاصله ها می توان میزان چیره شدن براین دشواری ها وچالش ها را افزایش داد.

وفات شیخ ابراهیم جلیدان یکی ازامداد رسانان مشهوردوران جهاد

گزارش : نذرالله عنایت

روزدوشنبه تاریخ ۲۳ حمل سال روان، همایش با شکوهی به یاد بود درگذشت شیخ ابراهیم جلیدان یکی امداد رسانان مهاجران وکودکان افغانستان درهوتل زنبق برگزارشد.

دراین همایش شماری ازرهبران جهادی ، شخصیت های سیاسی و فرهنگی کشوراشتراک ورزیدند.

استادبرهان الدین ربانی که دراین همایش سخنرانی کرد ضمن قدردانی ازخدمات ارزنده متوفی گفت:ابراهیم جلیدان یکتن ازسرمایداران متوسطی بود، اما همت بسیارعالی داشت،اوبا اخلاصمندی زیاد درخدمت مسلمان افغانستان قرارگرفت. اونه تنها به این که به مهاجرین مالی می کرد، بلکه با روابط بسیاروسیعی که باسیاستمداران وزمامداران کشورش وديگرکشورهای اسلامی داشت حمایت سیاسی آنها را ازمقاومت افغانستان جلب نمود.

استاد افزود،اوکاری بزرگی برای مهاجرین می کرد، او



در پشاور پاکستان کودکستان ساخت وکودکان یتیم وبی سرپرست مجاهدین و مهاجرین را تحت آموزش قرارداد ، اوبا کودکان یتیم یکجا زندگی می کرد و برای آنها درس، لباس، ومسایلی صحی فراهم می نمود.

شیخ ، همیشه درآرزوی این بودکه چگونه بتواند به اردوگاه های مهاجرین برود وبه آنها مساعدت نماید.

استاد افزود با آن که شیخ جلیدان همیشه درفکرکمک به مهاجران وکودکان یتیم بود ، اما به آینده افغانستان نیزمی اندیشید. بنا برین کوشش می کرد ، فرزندان مجاهدین وشهداء آموزش ببینند تا درآینده به وطن شان مصدر خدمت شوند و بتوانند به عنوان عناصر آگاه درساختن آیندۀ افغانستان سهم بگیرند.

سید عنایت الله شاداب استاد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل گفت: شیخ جلیدان مؤسسه بزرگی آموزشی را بنام " دارالایتام مدینه منوره " برای تربیه کودکان افغانستان تأسیس نمود که شاگردان آن موسسه ،امروزدردانشگاه ها ومؤسسات آموزشی دارایی استعداد ولیاقت های درخشانی هستند، مابايد ازخدمات وی به اساس حدیث رسول اکرم صلی الله علیه وسلم که "من لم یشکرالناس لم یشکرالله" قدردانی بکنیم وبه روح آن مرحوم دعای خیرنماییم.

صفت الله صحاف یکتن ازشاگردان پرورشگاه شیخ جلیدان گفت: من دوره های ابتدای ومتوسطه را درکودکستان مدینه منوره ، به پایان رساندم وامروزدردانشگاه خودرا بسیارموٌفق احساس می کنم.

ادامه در ص ۷